اخبار

استقلال با شکست مقابل تراکتور یخ زد

تیم فوتبال استقلال در آخرین دیدار خود در نیم‌فصل نخست لیگ برتر برابر تراکتور شکست خورد تا فاصله امتیازاتش با پرسپولیس در صدر جدول به ۵ امتیاز افزایش پیدا کند. در آخرین دیدار از مسابقات هفته پانزدهم لیگ برتر فوتبال دیروز جمعه تیم‌های استقلال و تراکتور به مصاف هم رفتند که این بازی با نتیجه ۲ بر صفر به سود تراکتور به پایان رسید. در این مسابقه که از ساعت ۱۴ با قضاوت وحید کاظمی در ورزشگاه شهید قاسم سلیمانی آغاز شد، محمد قنبری (۳۶ و ۵۳) برای تراکتور گلزنی کرد تا استقلال با قبول دومین باخت این فصل خود، در نیم‌فصل اول لیگ برتر به رده چهارم جدول سقوط کند. ابتدا قرار بود این بازی روز پنجشنبه برگزار شود اما به دلیل بارش سنگین برف در تبریز، ۲ تیم با یک روز تاخیر به مصاف هم رفتند. استقلال این فرصت را داشت که با پیروزی برابر تراکتور، نیم‌فصل اول را بعد از پرسپولیس و در رده دوم جدول تمام کند اما با این باخت، ۲۷ امتیازی باقی ماند و بعد از پرسپولیس (۳۲ امتیاز)، سپاهان و گل‌گهر (هر کدام ۲۷ امتیاز و تفاضل گل بهتر) به رده چهارم جدول سقوط کرد. این دومین باخت استقلال در این فصل بود. تراکتور هم با این برد ارزشمند ۲۲ امتیازی شد و به رده ششم جدول صعود کرد.

مسی چگونه «جام جهانی قلابی» را بالای سر برد؟

در یکی از مهم‌ترین عکس‌های جهان لیونل مسی، کاپیتان تیم ملی فوتبال آرژانتین، جام‌جهانی قلابی را بالای سر برده است. اما این اتفاق چگونه رخ داد؟ جزئیات عکس مشهور جهانی لیونل مسی، مهاجم و کاپیتان آرژانتین پس از قهرمانی در جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر که بیش از ۷۲ میلیون لایک در شبکه اجتماعی اینستاگرام دریافت کرد، فاش شد. مسی در صفحه اجتماعی‌اش عکسی از خود در حالی که جام قهرمانی را بالای سر بلند کرده است، منتشر کرد. این عکس رکورد تعداد لایک‌ها در اینستاگرام را به خود اختصاص داد. بعداً معلوم شد جامی که کاپیتان آرژانتین در دستان خود دارد، واقعی نیست. مسی جام واقعی در دست ندارد، بلکه قلابی است که توسط هواداران تیم ملی فوتبال آرژانتین در شهر بوئنوس‌آیرس ساخته شده است. جام را به عنوان طلسم به قطر آوردند و هنگام دور افتخار قهرمانی به بازیکنان آرژانتین اهدا کردند. یک جام قلابی دست به دست شد تا اینکه به مسی رسید. کاپیتان آرژانتین متوجه نشد جام تقلبی در دست دارد تا اینکه آنخل دی‌ماریا این را به او توضیح داد.

RMC SPORT به نقل از زوج سازنده این جام قلابی اعلام کرد: پیش از جام‌جهانی با افرادی که جام را می‌سازند تماس گرفتیم. تولید جام ۶ ماه طول کشید. وزنش هم وزن واقعی است. از رزین و کوارتز ساخته و با رنگ طلایی پوشانده شده است. با این حال متفاوت است اما این تفاوت حداقلی است. می‌خواستیم بازیکنان امضای خود را روی جام بگذارند اما در نهایت ۳ بار در زمین حاضر شد.

دیدگاه

خشونت عیان علیه آزادی بیان

نگاهی متفاوت به حاشیه‌سازی جدید نشریه غربی

ادامه از صفحه اول

... متحمل شده بودند و حمایت سیاسی دولت فرانسه از شارلی ابدو را نظاره می‌کردند، ناگهان حضور یک کاریکاتوریست ایتالیایی در نشریه شارلی ابدو رسانه‌ای شد. پائولو لومباردی که در فراخوان شارلی ابدو برای ارسال اثر علیه رهبر ایران شرکت کرده بود، در شبکه اجتماعی خود به خوشحالی پرداخت که: «همین الان اطلاع یافتم یکی از برندگان هستم». او در ادامه همان پست نوشت: «حالا به پشتیبانی مسلحانه از خودم نیاز دارم و از ایران فتوا علیه من صادر خواهد شد!» ایتالیایی‌ها در پایین مطلب او، یادآوری کردند که این همان شارلی ابدو است که به هویت ما حمله کرده و به درد ما خندیده است. یکی از مردم ایتالیا زیر مطلب لومباردی نوشت: «ممکن است برنده شده باشی اما حالا مانند سلمان رشدی تا آخرین روزهای زندگی خود به محافظ نیاز داری. هنوز کاریکاتورهای مربوط به زلزله را در ایتالیا بخوبی به خاطر دارم... راه‌های زیادی برای ابراز مخالفت با نظام ایران بدون توهین به مقدسات وجود دارد».

پلان چهارم: نشریه شارلی ابدو علاوه بر نسخه الکترونیکی، به صورت فیزیکی هم در باجه‌های مطبوعاتی فرانسه به فروش می‌رسد. وقتی آن صفحه جلد مشمئزکننده را دیدم اول از همه برای مردم فرانسه، کودکان و بانوانی که از جلوی باجه‌های مطبوعاتی رد می‌شوند و مجبورند سیاست‌بازی مقامات فرانسوی را تماشا کنند تأسف خوردم. نگاه جنسیت‌زده و سکسیستی به زن و نشان دادن بدن عریان زنان با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ در همین نشریه نه تنها یک رهبر مسلمان که بارها رهبران مسیحی و سایر ادیان هم به زشت‌ترین و توهین‌آمیزترین حالت ممکن تصویر شده‌اند. نگاه ضددینی، تن‌زده و تنانه، بی‌پرده و خشن جنسی در نشریه شارلی ابدو باید بشریت را متأثر کند. آنان که فکر می‌کنند کاریکاتورهای این چند روز یک هجمه سیاسی به جمهوری اسلامی است در اشتباهند. شارلی ابدو یک خشونت عیان علیه انسانیت و حتی آرمان غربی‌ها که لقلقه زبان‌شان شده یعنی آزادی بیان است. قربانی این آزادی پیش از آنکه در جمهوری اسلامی باشد در آماتریس و همسایه دیوار به دیوار فرانسه بوده است.

داخل پرانتز: افول ژورنالیسم در ایران باعث شده است که کمتر شاهد روزنامه‌نگاری تحقیقی در موضوعات مهم روز باشیم. جست‌وجوی چندزبانه و اوسینت‌محور به فراموشی سپرده شده است و دزدبازار در فضای مجازی باعث شده است هر اثر و قلمی که ایده و یافته‌ای دارد برش پیدا کرده و با نام این و آن انتشار یابد. ابراز خشم و صدور بیانیه راحت‌ترین کاری است که همگان می‌کنند. امان از فراموشی روایت‌سازی در دوره جنگ روایت‌ها.

درگذشت ستاره سابق تیم ملی فوتبال ایتالیا

ستاره سابق تیم ملی فوتبال ایتالیا پس از تحمل چند سال بیماری سرطان درگذشت. جان‌لوکا ویالی، ستاره سابق تیم ملی فوتبال ایتالیا که پیراهن باشگاه‌هایی همچون یوونتوس، سامپدوریا و چلسی را بر تن داشت پس از سال‌ها مبارزه با سرطان درگذشت. ویالی در یورو ۲۰۲۰ که با قهرمانی ایتالیا همراه بود دستیار روبرتو مانچینی بود و مربیگری در تیم ملی کشورش را همچنان ادامه می‌داد اما به دلیل وضعیت بحرانی‌اش در هفته‌های اخیر به بیمارستان منتقل شد و درگذشت.

داوری عجیب بازی پرسپولیس و نساجی

انصافا دقت کن

واکنش عجیب داور بازی پرسپولیس و نساجی به توهینی که احمد موسوی به مهدی ترابی کرد زمینه‌ساز جنجال در ورزشگاه آزادی شد. در هفته پانزدهم لیگ برتر تیم‌های پرسپولیس و نساجی به مصاف هم رفتند که این بازی با نتیجه ۵ بر یک به سود سرخپوشان خاتمه پیدا کرد و شاگردان گل‌محمدی توانستند عنوان قهرمانی نیم‌فصل را به دست آورند. حاشیه اصلی بازی در اوسط نیمه دوم رقم خورد؛ جایی که در یک صحنه درگیری کلامی و سپس فیزیکی مختصری بین احمد موسوی، بازیکن نساجی و مهدی ترابی، بازیکن پرسپولیس به وجود آمد که در نهایت علی صفایی، داور بازی این غائله را با دادن کارت زرد به موسوی و ترابی و در ادامه کارت قرمز به ترابی خاتمه داد. مهدی ترابی که سال‌هاست در بالاترین سطح فوتبال ایران و تیم‌ملی بازی می‌کند تاکنون بدون حاشیه فوتبال خود را ادامه داده اما در این بازی آنچنان توهین بدی شنید که بازیکن آرامی مثل او را هم عصبانی و مجبور به واکنش کرد به طوری که برخی بازیکنان بعد از بازی گفتند تاکنون اینگونه ترابی را عصبانی ندیده بودند.

توهین زشت یک بازیکن فوتبال که به نظر می‌رسد با این کارها به دنبال سوار شدن بر موج احساسات عده‌ای از مردم است در راستای مصاحبه‌های عجیبی بود که در چند وقت اخیر انجام داده است. حال سوال این است: آیا موسوی به دنبال برهم زدن تمرکز یک ملی‌پوش کم‌حاشیه مثل ترابی بوده؟ به نظر می‌رسد موسوی این سناریو را که از پیش از بازی آغاز کرده بود در جریان بازی تکمیل کرد.

یک بازیکن پرحاشیه که حتی در استقلال هم روزهای خوبی نداشت این بار با توهینی زشت کاری کرد که یکی از آرام‌ترین بازیکنان یک دهه اخیر فوتبال ایران از کوره در برود. به نظر می‌رسد کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال و حتی کمیته اخلاق باید به این مساله عجیب ورود کنند، چرا که اگر پیش از این با این موضوع و اقدامات مشابه مقابله می‌کردند کار به اینجا نمی‌رسید. این بازی می‌توانست با جذابیت بالا خاتمه پیدا کند اما این حواشی نقطه سیاهی در این بازی بود تا کام خیلی‌ها تلخ شود. صحبت فقط از احمد موسوی نیست، بلکه صحبت از فوتبالیست‌هایی است که در شرایط فعلی به دنبال مطرح کردن خود در جایی خارج از مستطیل سبز هستند و بهترین راه را در این فرضیه پیدا کرده‌اند که بدنامی بهتر از گمنامی است. شاید باید برای یک بار هم که شده بساط اینگونه اتفاقات زشت و غیرورزشی برای همیشه برچیده شود تا شاهد توهین به اعتقادات شخصی یک فوتبالیست نباشیم. این مهم قطعاً ورود نهادهای نظارتی و انضباطی را می‌طلبد تا ریشه چنین جریاناتی خیلی زود خشک شود.

به گواه اکثر افراد کنار زمین از جمله عکاسان و... موسوی توهین زشتی به ترابی و اعتقادات او داشته که علی صفایی، داور بازی براحتی و با مماشات از این صحنه عبور کرده است. در حالی که اگر از ابتدا برخورد قاطعی با فرد توهین‌کننده (موسوی) داشت شاید اتفاق بعدی رخ نمی‌داد. این نوع برخورد داور هم در نوع خود سوال‌برانگیز است. در این باره هم قطعا کمیته داوران باید نظارت بیشتری بر عملکرد داوران خود داشته باشد و به نظر می‌رسد اینگونه داوران خودشان هم از مسببان جنجال‌سازی در زمین مسابقه هستند که نیاز به برخورد انضباطی دارند. البته استوری‌های چند ماه اخیر صفایی نشان‌دهنده نوع فکر او است و به کلی مشخص بود که این داور به گونه‌ای منتظر انتقام از مهدی ترابی بود. اینکه یک بازیکن به خودش اجازه دهد چنین توهین بی‌شرمانه‌ای به عقاید ملی و مذهبی بازیکن حریف کند و داور بی‌تفاوت از کنارش بگذرد، موضوعی نیست که اتفاقی قلمداد کنیم. امید آن می‌رود که حراست و کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال به صورت ویژه و با لحاظ کردن همه جوانب قضیه، سریعاً به این پرونده رسیدگی کنند. فیلم‌های بازی گویای این مطلب است که ابتدا موسوی درگیری را شروع کرد و ۲ بار به صورت ترابی زد و کارت زرد دریافت کرد اما از ادامه ماجرا روایت صریح و صحیح و دقیقی در دست نیست. بنا به گفته کارشناسان با تعدد رفتار خشونت‌بار موسوی، وی باید مستقیم از زمین بازی اخراج می‌شد.

گزارش

وقتی قلب لوکادیا از اعدام یک به یک فوتبالیست‌های ایرانی به درد آمد و او ایران را ترک کرد

دروغ‌های یک فراری

محمد رشوند: زمانی که رضا درویش، مدیرعامل پرسپولیس در برنامه شبانه فوتبال برتر ادعا کرد ما موفق به جذب بهترین بازیکن خارجی تاریخ لیگ برتر شده‌ایم، تصورش را نمی‌کرد که این هلندی چگونه طی چند ماه مبدل به عهدشکن‌ترین بازیکن خارجی تاریخ پرسپولیس می‌شود؛ بازیکنی که بیش از یک میلیون یورو هزینه جذبش شد در صورتی که بالای ۱۳ ماه دور از میادین بود و طبیعتا کمتر باشگاهی در اروپا حاضر به قبول چنین ریسکی می‌شد. اما پرسپولیس که ابتدای فصل محتاج یک مهاجم تمام‌کننده بود این ریسک را به جان خرید و از قضا این خرید مبدل به ماشین گلزنی این تیم شد اما کسی خبر از درون مشوش و زندگی پرآشوب این هلندی نداشت.

شب داربی به بهانه واهی بیماری همسر تهران را ترک کرد، در صورتی که مدت‌هاست این دو با یکدیگر قطع رابطه کرده‌اند. به‌خاطر اینکه روند قضایی پرونده را در محکمه فیفا ببرد، به توصیه وکلایش روزه سکوت گرفت اما حالا کم‌کم در حال بیان مهملاتی است که نشان می‌دهد او چگونه می‌خواهد مشکلات خانوادگی و عدم ثباتش در زندگی‌اش را به گردن اتفاقات ایران بیندازد.

او در فاصله یک هفته ۲ پست متفاوت در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام گذاشت. در اولی بی‌آنکه اطلاعات زیادی بدهد، یکسری کد پرت و پلا داد اما در دومین پستش که چهارشنبه شب آن را بارگذاری کرد، دلیل اصلی خروجش را اعدام فوتبالیست‌ها در ایران دانست! حالا کم‌کم خانه‌های پازل کنار هم چیده می‌شود و مشخص است او چگونه می‌خواهد بعد از فسخ یک‌طرفه قراردادش، پیروز این پرونده باشد.

این قصه یورگن لوکادیای هلندی و پرسپولیس است؛ همان بازیکنی که چند ماه قبل، مدیریت قرمزها در برنامه شبانه فوتبال برتر نسبت به حضورش در ایران گفت: ما بهترین بازیکن خارجی تاریخ لیگ برتر را جذب کرده‌ایم. اما او نگفت حقیقتا چرا این بازیکن حاضر به حضور در فوتبال ایران شده است. ۲ دلیلی اصلی و اساسی وجود داشت؛ نخست اینکه مدت‌ها مصدوم بود و طبیعتا هیچ باشگاه اروپایی حاضر به خرید چنین بازیکنی با قیمت بیش از یک میلیون یورو نبود. دلیل دوم هم همان مبلغ کلانی بود که باشگاه ایرانی حاضر به پرداختش شد. پرسپولیس ریسک کرد و از شانس خوبش، لوکادیا که با ۱۰ کیلو اضافه وزن پا به تهران گذاشته بود، به مرور زمان، تبدیل به گلزن‌ترین بازیکن قرمزها شد.

اما لوکادیا در آستانه داربی ناگهان بدون اینکه کلامی بگوید به صورت شبانه تهران را ترک کرد و چند روز بعد هم در نامه‌ای به باشگاه فسخ یک‌طرفه قراردادش را اعلام کرد. پرسش این است که چرا؟ شاید خیلی‌ها حواشی اخیر اجتماعی را دلیل آن بدانند اما باید گفت در فیفا فقط شرایط جنگی (آن چیزی که امروز در اوکراین جریان دارد) قابل قبول است. لوکادیا که مشخصا در زندگی شخصی هم مشکلات فراوانی دارد، در حالی بیماری همسرش را دلیل خروج ناگهانی‌اش عنوان کرد که پیچ شخصی خودش و همسرش بیان‌کننده آن است که این دو از یکدیگر جدا شده‌اند.

در تبریک سال نو میلادی، همسر این بازیکن تنها با ۲ فرزندش عکس انداخت و هیچ اشاره‌ای به همسر سابقش نکرد. اما نکته مهم دیگر که جا دارد باشگاه پرسپولیس به صورت جدی و محکم تا حصول نتیجه، شکایت از این بازیکن بدعهد را در فیفا پیگیری کند، دومین پست عجیبی بود که او چهارشنبه شب گذشته از آن رونمایی کرد. لوکادیا حالا پرده‌ها را کنار زده و در حال انشای حرف‌های بی‌اساسی است که وکلایش به او یاد داده‌اند. او دلیل خروجش را وضعیت این روزهای ایران دانست و وقیحانه نوشت چطور می‌توانستم فوتبال بازی کنم در صورتی که فوتبالیست‌ها در حال اعدام بودند! او در حال صحبت درباره چه چیزی است؟ کدام فوتبالیست این روزها اعدام شده که لوکادیا به خاطر آن ایران را ترک کرده است؟

■ باید نگران اتحادیه اروپایی بود

شامگاه پنجشنبه پس از پایان بازی پرسپولیس و نساجی، رضا درویش به میان خبرنگاران حاضر در ورزشگاه آمد و در این باره صحبت‌هایی را انجام داد. قسمت مهم مصاحبه درویش این بود که امیدواریم این پرونده از دالان ورزشی دنبال شود و وکلای لوکادیا با سیاسی کردن آن رای را در فیفا برنگردانند.

طبیعتا با توجه به مواضع یکجانبه اخیر اتحادیه اروپایی و بعضی از کشورهای متنفذ در هر اموری از جمله آرای انضباطی فیفا، بسان انگلیس، فرانسه و آلمان، این نگرانی عمیقا وجود دارد که برای لوکادیا بند اضطرار وقوع جنگ را فیفا لحاظ کند و به این ترتیب او قادر باشد حرفش را در محکمه به کرسی بنشاند. اما در اینجا نقش وکلای مجرب باشگاه پرسپولیس بسیار تعیین‌کننده خواهد بود؛ با طرح این پرسش و پافشاری روی این اصل که حقیقتا وضعیت امروز تهران چه شباهتی به کی‌یف و اوکراین دارد؟

فدراسیون فوتبال و همچنین کمیته ملی المپیک باید لیست بلند بالایی از حضور مربیان و بازیکنان در رشته‌های مختلف در ایران تهیه کنند که همگی آنها بدون هیچ مشکلی در حال فعالیت هستند و نه شخصی از آنها روانه زندان شده و نه کسی اعدام!

عده‌ای در این سو کاسه داغ‌تر از آش شده و مدعی شدند چون نهادهای امنیتی قبل از جام‌جهانی یک توریست اسپانیایی را بعد از خروج از عراق و ورود به ایران دستگیر کرده‌اند، دیگر اروپایی‌ها شهامت آمدن به ورزش ایران بویژه فوتبال را ندارند اما غافل از اینکه جواد نکونام با یک بازیکن اسپانیایی که سابقه حضور در اوساسونا را دارد، صحبت‌های اولیه را انجام داده و اگر برکناری ناگهانی گرشاسبی (مدیرعامل سابق فولاد) خللی در این پرونده ایجاد نکند، شاید بزودی «روبرتو تورس» مهاجم ۳۳ ساله اسپانیایی عازم ایران شود تا به باشگاه فولاد خوزستان اضافه شود.

لوکادیا که همیشه در هتل در حال گوش دادن به موسیقی و همکلامی با خانم‌های خوش بر و روی میهمانش در لابی بود، مشخص نیست کی و کجا فرصت کرد دغدغه چه‌گوارایی پیدا کند و تصمیم به خروج از ایران به خاطر اعدام فوتبالیست‌ها بگیرد!

او در یک مورد حقیقت را گفته بود؛ هفته قبل در نخستین پست اینستاگرامی‌اش عنوان کرده بود که بازیکنان نزدیک به من واقعیت را می‌دانند. ما با چند نفری صحبت کردیم و آنها متفق‌القول گفتند این هلندی چه دغدغه‌هایی داشت! موسیقی خوب، عاشق مکالمه با غریبه‌ها در هتل و خوردن کافی عالی.

در اوج التهابات و حتی وقتی ناخواسته و در یک سوءتفاهم مسأله‌ای برای یکی از بازیکنان این تیم به وجود آمد، لوکادیا حتی در حد یک پست معمولی یا استوری هم بابت این موضوع نگرانی‌اش را نشان نداد، چون سرش جای دیگری گرم بود و باید برای پارتنرش مسائل مهم‌تری را توضیح می‌داد. البته در آن کار هم موفق نشد تا این زوج در ژانویه ۲۰۲۳ حتی یک عکس مشترک هم با هم نداشته باشند.

لوکادیا و قصه حضورش در پرسپولیس به‌رغم یک دوره بسیار عالی و شکوهمند خیلی زود به پایان رسید. اینکه او چرا به یکباره گذاشت و رفت، موضوعی نیست که تا ابد پشت ابر جعل و اعدام‌های تخیلی باقی بماند. شاید همسرش که این روزها به زبان فارسی در حال دلبری از ایرانی‌هاست، کدهای لازم را بدهد. او پیش‌تر گفته بود من و فرزندانم را در این موضوع دخالت ندهید.

اینکه لوکادیا بخواهد کنار فرزندانش زندگی کند یا یک کشور دور دیگر را برای ادامه فوتبالش انتخاب کند، موضوع مهمی است که کنار هم قرار دادنش، حقایق بیشتری را به ما می‌دهد.

البته به نظر می‌رسد او همان برنامه کالدرون و استراماچونی را می‌خواهد با کمک وکلایش پیاده کند. یعنی تا پایان فصل موسیقی گوش کند، تتوی جدید بزند و هم‌کلام‌های جوان دیگری پیدا کند و دیگر نگران آن نباشد که کسی عکس و فیلم پاپاراتزی‌وار از او بگیرد و به صفحه دایرکت مادر فرزندانش بفرستد!

او می‌خواهد حقیقتا استراحت کند و ۵۰۰ هزار یوروی بقیه را از گاو صندوق قرمزها استخراج کند. بنابراین آنچه امروز مهم‌ترین خواسته هواداران از مدیریت است، به برخورد قاطع با این شارلاتان دروغگو مربوط می‌شود. دیگر هیچ کس فرش قرمز برای بازگشت این آدم نامتعادل و دروغگو پهن نمی‌کند اما او قراردادش را فسخ کرده و حقش نیست از این تاریخ به بعد حتی یک دلار از باشگاه پرسپولیس دریافت کند. باید جدی و محکم پیش رفت تا با محکوم کردنش در دادگاه فیفا، دست‌کم کمی از آب رفته را به جوی بازگرداند. اگرچه با توجه به مواضع کشورهای اتحادیه اروپایی، بعید است فیفا رنگ و لعاب سیاسی نگرفته باشد.

جز موسیقی هیچ دغدغه‌ای نداشت

لوکادیا در حالی خودش را دغدغه‌مند حقوق بشر و اعدام‌های خیالی فوتبالیست‌های ایران می‌داند که یکی از اعضای باشگاه پرسپولیس درباره او و اوقات فراغتش به خبرنگار ورزشی «وطن امروز» گفت: «ما هم از دیدن آن پست یورگن شوکه شدیم. شاید باورتان نشود اما او جز گوش دادن به موسیقی و گله مدام از سرعت کم اینترنت دیگر هیچ دلمشغولی‌ای نداشت. حتی زمانی که متوجه شدیم سفارت هلند در مهرماه از اتباعش خواسته تا ایران را ترک کنند، نگران عدم بازگشتش بودیم. اما او به ما اعلام کرد فوتبالیست حرفه‌ای است و سر قراردادش می‌ماند. روی همین حساب در موعد مقرر بازگشت و در تمرینات ما حاضر بود. اما اتفاق مهمی که حتی کادر فنی هم متوجه آن شده بود، بی‌روحیه بودن او در یکی، دو هفته آخر بود. در تمرینات هیچ انگیزه‌ای نداشت. حتی در بازی‌های درون تیمی همانند قبل سرحال و گلزن نبود. سرمربی تیم او را کنار کشید و دلیل روحیه بدش را سوال کرد که او هیچ حرفی به زبان نیاورد. تا اینکه متوجه شدیم شبانه قصد خروج از ایران را دارد. سروش رفیعی که رابطه نزدیکی با او دارد ساعت‌ها با او صحبت کرد اما همه حرف لوکادیا، بیماری همسر و مشکلات خانوادگی بود؛ در صورتی که ما می‌دانستیم او و همسرش در اینستاگرام یکدیگر را دنبال نمی‌کنند و به گونه‌ای جدا شده‌اند». این فرد با اشاره به مشکلات روحی لوکادیا ادامه داد: «از حرف‌های جدیدش تعجب می‌کنم. چطور ناگهان دغدغه حقوق بشر پیدا کرد و حتی به دروغ گفت در ایران فوتبالیست‌ها در حال اعدام شدن هستند! به شخصه احساس می‌کنم به خاطر جدایی از همسرش وضعیت روحی خوبی برای زندگی در ایران نداشت و می‌خواست به خاط فرزندانش در اروپا زندگی کند».

آنچه ما از زندگی شخصی لوکادیا متوجه شدیم، این احتمال را تقویت می‌کند که بنا به هر دلیلی او تصمیم به ترک ایران و نزدیک بودن به فرزندانش گرفت. از سوی دیگر چون پرسپولیس نیمی از قرارداد را به او داده بود، احساس کرد شاید نتواند در دادگاه پیروز شود، از این رو ناگهان تغییر فاز داد و حالا اعدام فوتبالیست‌ها و شرایط ایران را مستمسک خود قرار داده است.

اما گویا وکلایش زیاده‌روی کرده‌اند، چرا که دست‌کم تا این لحظه هیچ فوتبالیستی در ایران به خاطر اتفاقات اخیر اعدام نشده که لوکادیا به خاطر آن دچار عذاب وجدان نیابتی شده است.

لوکادیا به هر دلیلی ترجیح داده کنار فرزندانش باشد و چون یک قرارداد حرفه‌ای فوتبال را براحتی هرچه تمام‌تر زیر پا گذاشته است، حالا به کمک وکلا و مشاورانش در حال پیاده کردن یک سناریوی جدید در قالب حقوق بشر و اعدام فوتبالیست‌ها در ایران است.

نگاه

شارلی و مکرون نوچه‌های صهیونیسم

ادامه از صفحه اول

در حقیقت شخص مکرون در این غائله نقش تقاطع هر ۲ روند معیوب مزبور را دارد؛ از یک طرف او به عنوان کارمند سابق بانک روتشیلد و شرکا در انگلستان و رهبر حزبی نولیبرال که ۶ سال پیش، یک‌شبه از دل کارزار بانک‌های بزرگ اروپایی و با حمایت ناگهانی رسانه‌های شرکتی غربی پدید آمد، بیش از تمام اخلافش در کاخ الیزه متهم به نوچگی این کارتل است و از طرف دیگر اغلب سیاستمداران چه در بروکسل- پایتخت اتحادیه اروپایی - و چه در پاریس، متفق‌القولند این ژیگولوی ابن‌الوقت و فاقد پیشینه حزبی و مکتبی مشخص در عرصه سیاسی فرانسه، نه تنها جز بحران‌آفرینی در داخل جامعه ناراضی و نگران فرانسوی و مهاجران کار دیگری نکرده، بلکه در عرصه خارجی نیز به طور مداوم در حال باختن کارت‌های دیپلماتیک پاریس است. نتیجه آن انزوای آشکار پیشاهنگ پیشین اتحادیه اروپایی در خود این اتحادیه و به موازات آن از دست دادن حوزه‌های نفوذ جغرافیایی و قلمروهای سنتی و استعماری فرانسه از جمله شامات، آفریقای عربی، صحرا و کشورهای فرانکوفون مرکز و غرب قاره سیاه است.

وقتی یک رهبر ورشکسته سیاسی در چنین موقعیت متزلزلی قرار می‌گیرد، ناچار می‌شود برای بقا هر گونه سواری به کارتل‌های قدرت و ثروت بدهد، بویژه اگر دست‌نشانده خودشان هم باشد.

سخنان دیروز حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با حسین ابراهیم‌طه، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، حاکی از اشاراتی در همین مورد بود. در مکالمه‌ای که عمده آن به محکومیت اقدامات فتنه‌انگیز صهیونیست‌ها اختصاص داشت، امیرعبداللهیان از محکومیت اقدام موهن نشریه فرانسوی توسط این شخصیت مسلمان اهل چاد تشکر کرد و با اشاره به مسؤولیت دولت مکرون در این باره گفت: «در ورای اقدامات هتاکانه مکرر این نشریه علیه مقدسات دینی و رموز جهان اسلام، نقش‌آفرینی و هدایت صهیونیست‌ها دیده می‌شود».

انتشار مجدد کاریکاتورهای موهن شارلی ابدو علیه یک شخصیت اسلامی باز هم درست سر بزنگاه اجرای برنامه تبلیغاتی صهیونیسم جهانی با هدف تحمیل تغییراتی به نقشه خاورمیانه انجام می‌شود.

آخرین بار که این هزل‌نامه اقدام به وهن پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) کرد، مصادف بود با موج تبلیغات عظیم- در ظاهر منفی اما بشدت هالیوودی - رسانه‌های شرکتی غربی، عربی و عبری برای تروریست‌های داعشی با هدف اسلام‌هراسی. طبیعتا خود داعشی‌ها هم پیاده‌نظام میدانی این برنامه جامع صهیونیسم جهانی بودند.

در روزهای نخست سال ۲۰۱۵، حمله مهاجمان مسلح به دفتر هفته‌نامه شارلی ابدو که در قالب یک اقدام تروریستی داعشی کارگردانی شده بود، برای افکار عمومی غرب و جهان غیرمسلمان، یک حرکت متعصبانه اسلامی در انتقام از وهن رسول‌الله تصویر شد.

همان زمان «ژانت بوغراب»، از شاخص‌ترین فعالان صهیونیستی وارد گود شد. این سیاستمدار یهودی مغربی‌تبار که در افواه به دخترخوانده شاخه روتشیلدهای فرانسه مشهور بود، در سنین جوانی به سمت‌های مهم حکومتی مثل دادستان حقوق بشر و وزارت جوانان و جامعه فرانسه - در دولت سارکوزی که بارها خود را یهودی‌تبار و صهیونیست متعصب معرفی کرده است - رسیده بود.

ژانت به شکلی باورنکردنی هویت خود را به عنوان «دوست دختر» استفان شاربونیه، سردبیر مقتول مجله شارلی ابدو لو داد.

تا پیش از اعتراف بوغراب، ارتباط یک دفتر وکالتی همکار موسسات بانکی متعلق به خاندان روتشیلد در فرانسه با نشریه شارلی ابدو، ظن محققان را برانگیخته بود ولی وقتی این صهیونیست مغربی‌تبار علنا پرده ارتباط خود با شارب را کنار زد، دیگر چه کسی باور می‌کرد او در چنان جایگاهی فقط دوست کارتونیست ارشد و طراح اصلی کارتون‌های موهن به پیامبر اسلام بوده باشد. پس طبیعتا از همان موقع خیلی‌ها او را به عنوان حامی سیاسی، حقوقی و چه بسا مالی شارلی ابدو شناختند. به همین دلیل ادعاهای کماکان تکرار شونده توسط ناشران شارلی ابدو و مقامات فرانسوی مبنی بر اینکه این یک نشریه مستقل وابسته به کارتونیست‌های فوق چپ‌گرا و آنارشیست است، خود یکی از هجویات منسوب به این نشریه محسوب می‌شود؛ چنانکه بوغراب، واسطه روتشیلدها با شارلی ابدو، خود را یک شخصیت سیاسی چپ معرفی می‌کرد اما هرگز در ساختار سیاسی چپ‌های این کشور جایگاهی نداشت و در کمال شگفتی در دولت راست‌گرای سارکوزی پست وزارت گرفت!

از دیدگاه کسانی که روندهای سیاسی در پاریس را با دقت دنبال می‌کنند، انتشار کارتون‌های موهن جدید توسط شارلی ابدو علیه عالی‌ترین مقام سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران، با تحرکات و تحولات دیگری در پاریس گره خورده است. قطعا متوسل شدن نوچه فرانسوی کارتل صهیونیستی روتشیلد به سخیف‌ترین راه‌ها علیه ایران با استقبال رسمی مکرون از یک عفریته اجاره‌ای سازمان سیا نیز مرتبط است. نکته دیده نشده اما نزدیکی بخشی از راستگرایان جمهوری‌خواه سابقا مرتبط با دولت نیکولا سارکوزی به لایه‌های مختلف دولت مکرون در جریان کارزار انتخاباتی ۲۰۲۲ است از جمله همین خانم بوغراب!

کسانی که قبلا با ماهیت غیرمستقل نشریه شارلی ابدو آشنا شده‌اند، می‌دانند این جریان موهن همیشه برای لجن‌پراکنی کارت سفیدهای حکومتی داشته و دارد. برخلاف ادعای وزیر فرهنگ دولت معرفی شده توسط حزب مکرون، در چارچوب قانون اساسی فرانسه آزادی بیان به معنای آزادیِ توهین و نابود کردن میراث بشری و اصول اخلاقی نیست. اتفاقاً ما از کشوری صحبت می‌کنیم که حالا ۸ سالی می‌شود، وضعیت ویژه امنیتی یا همان حکومت نظامی توسط دولت آن تمدید می‌شود و به موجب ضوابط خاص این وضعیت اتفاقا سخت‌گیری‌ها درباره اهانت به شخصیت‌های دینی و سیاسی به وضوح افزایش یافته است. مثلا در این چند سال اخیر دیده نشده بود شارلی ابدو، این پرچمدار مضحک لیبرالیسم فرانسوی به طور جدی به کارزارهای رسانه‌ای بسیار فراگیر در غرب علیه جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر - به بهانه دفاع از حق کارگران و دگرباشان جنسی - یا در مذمت سر بریدن جمال خاشقجی توسط بن‌سلمان، ولیعهد سعودی بپیوندد.